



اخبار

تهران

چندی قبل حدود ۱۴ نفر از قضات دادگستری برای کار در " دادگاههای انقلاب " انتخاب شدند. رژیم در این انتخاب با میان خیل قضات دادگستری دقت فراوان به خرج داد و سعی کرد افراد مورد اعتماد را دست چین کند.

اخیرا گویا ۱۲ نفر از این قضات پس از مشاهده اعمال فاشیستی در بدادگاههای رژیم و در اعتراض به عدم بازجویی از متهمین و ندادن وقت دفاع به آنها و سایر اعمال وحشیانه، استعفا کرده اند. تا کنون فقط ۴ نفر از تعداد اولیه قادر به تحمل اوضاع بوده اند.

افراد مستطبی بطور " مودبانه " به مناطق دور دست کشور تبعید شده اند. ترتیب کار به این صورت است که احکام قبلی آنها که مربوط به تهران بود بدون استثناء لغو شده و برای آنها - احکامی در نقاط بد آب و هوا و دور افتاده صادر شده است.

این ، نشانهی انفراد شدید رژیم است. حتی افراد مورد اطمینان و دست چین شده هم نمیتوانند اعمال فاشیستی و ارتجاعی آنها تحمل کنند ، در حقیقت هم رژیم جمهوری اسلامی فقط برای حفظ ظاهر صحبت از تشکیل دادگاه و محاکمه میکند . حال آنکه در واقعیت امر این دیوانه های زنجیری بویی از " داد " نبرده اند و آنچه از دادگاه میفهمند چیزی جز جوخهی اعدام نیست. و برآستی نیز اگر ذره ای از انسانیت در افسراد باقی باشد، لحظهای قادر به مشاهده و تحمل اعمال وحشیانهی این لجام گسیختگان هیتلری نخواهد بود.

سورنگ گرانمایه ، فرماندهی هوانبروز که حدود سه ماه پیش برای تحویل هواپیما های فالکن به فرانسه رفته بود ، فرار کرده و اکنون از فراریهای ارتش محسوب می شود . وی قبلا خلبان مخصوص تیمار سرداد مقدم و از جمله هزاران ساواکی و ارتشیان شاه پرستی بود که توسط رژیم جمهوری اسلامی پس از بهمن ۵۷ علیه مردم زحمتکش ما بکار گمارده شدند .

بیمارستان نامداران واقع در تقاطع خیابانهای سبزه و فرصت که توسط پزشکان شهر معادله شده است ، در طی چند هفتهی گذشته بعنوان زندان مورد استفاده قرار گرفته است . طبق اطلاعات ما ، تعدادی از دستگیرشدگان مجروح در درگیریهای ۳۰ خرداد در زیرزمین این بیمارستان بازداشت هستند ، ولی یکی از هواداران مجاهدین موفق به فرار از این محل شده است . در خیابان رژیم سرمایه داری علاوه بر آنکه خود برای بیمارستانها و مداوای زحمتکشان اهمیت قائل نیستند و در طی دو سال و نیم گذشته حتی یک بیمارستان جدید در شهر نساخته اند ، بیمارستانهای موجود را نیز تبدیل به زندان کرده اند .

رژیم بعد از بکار بردن تجربهی پیروشی در استفاده از ورزشگاهها بعنوان بازداشتگاهها اکنون قدمی نیز فراتر گذاشته و از بیمارستان که کشور ما از لحاظ آن در کمبود بسر میبرد برای بازداشت افرادی که مخالف جنایات رژیم هستند استفاده می کند. جالب اینجاست که این رژیم به رژیم انگلستان ایراد میگیرد که چرا از پادگانها بعنوان بازداشتگاه استفاده میکند ، عوامفریبی تا چه حد؟ خود شما مگر کاری متفاوت از رژیم انگلیس انجام میدهید ؟

برآستی نیز از نظر رژیمی که ذره ای اهمیت برای رفاه ، بهداشت و زندگی مردم زحمتکش ما قائل نیست ، چه نیازی به بیمارستان است؟ از نقطه نظر این رژیم ارتجاعی و عقب مانده بیمارستان و حتی علم پزشکی هم که یکی از مظاهر پیشرفت بشری است باید نابود شود .

اینست شمار رژیم جمهوری اسلامی : تیمار چهار دیواریها را باید تبدیل به زندان کرد ولی رژیم این آرزوی خود را نیز بکسر گور خواهد برد. مگر نه اینکه کجوشی فاشیست رئیس زندان اوین حتی یک قدم هم از دیگر سردمداران رژیم بیشتر رفته بود و میخواست زندانها را تبدیل به گورستان سازد ؟ همچنانکه کجوشی به مجازات جنایات خود رسید ، روزی فرا خواهد رسید که سایر جنایتکاران این رژیم هم به مجازات برسند.

در مدارس باخجی آباد ، از شیت نام پیش از دانش آموزانی که در انضباط و تعلیمات دینی پائین گرفته بودند ، خودداری بعمل آمده است .

مسئولین " آموزش و پرورش " همچون سایر مسئولین رژیم وقاحت و بیشرمی را به منتهمی درجهی خود رسانده اند. این با تصور همان ذهن و فکر دانش آموزان تصور می کنند با جلوگیری از شیت نام میتوان به زور محتویات کتب تعلیمات دینی را در مغز دانش آموزان تزریق کرد. ولی همچنانکه تجربهی کتاب " انقلاب سفید " شاه در مدارس نشان داد ، اگر هم کتب تعلیمات دینی مطالعه شوند ، بخاطر نمره ی قبولی خواهد بود.

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

“تحریر الوسیله”

مادهی “لایحهی قصابی” را ضروری ندید (۱)، بلکه با یک مادهی ۱۵ کلمه‌ای، بطور “چکی” به فصل “حدود، قصابی، و دیات” - معادل ۱۵۲ صفحه و پیش از ۷۰۰ ماده - از کتاب “تحریر الوسیله” را تصویب کرد، تا دست حاکمان شروع - چگونگی - خطراتی، معددی گیلانی، مهیم کرمانی و دیگران - را برای خلاق زدن، دست و پا بریدن، چشم از حدقه درآوردن، سنگسار کردن و بسیاری از اعمال با صلاح انسانی دیگر بازتر بگذارد.

در شماره‌های آینده، ما برای آشنایی خوانندگان با قوانین وحشیانهی کتاب “تحریر الوسیله”، به معرفی بخشهایی از آن خواهیم پرداخت.

اخبار...

با ساداران محافظ خاتمی، آخوند سردبیر کیهان، وقتی او را به خانه‌اش می‌رسانند ابتدا چراغهای خانه را روشن می‌کنند و خانه را جستجو می‌کنند تا مبادا “خوابگاهها” آنجا باشند! طبق اطلاعات، تعداد قابل توجهی از آخوندهای دیگر بسیاری از شبها را در اطراف کن دیگری غیر از محل سکونت‌دانشی خود بسر می‌برند.

ترس و وحشت وجود تمام جنایتکاران را فرا گرفته است، کسانی که در ظاهر و در ملا عام آرزو مند رفتن به بهشت هستند آنها از ضرر رسیدن به مجازات در منزل خود بمر نمی‌برند از چه می‌ترسید آقایان؟ مگر این شما نبودید که می‌گفتید “اگر بکشیم هم به بهشت می‌رویم، اگر هم کشته شویم به بهشت می‌رویم”؟ مگر شما نبودید که “افتخار شهادت” را تبریک و تسلیت می‌گفتید؟ پس این ترس و وحشت بظا طر چیست؟

در چند روز اخیر، چندین نفر بظا طر تظاهر به روزه‌خواری توسط پادوهای فاشیست رژیم شلی خورده‌اند، این عمل ارتجاعی و قرون وسطایی تا کنون دوبار در میدان بلوار تهران، چندین بار در میادین دیگر و شهرها - نه‌ای دیگر تکرار شده است. ارتجاعیون حاکم عاجز از پیشبرد مقاصد خویش و با مشاهدهی اینکسسه مردم هر روز بیش از پیش از ایشان روی میگردانند چاره‌ای جز این ندارند که برای اجبار دیگران به پیشرفت تفکرات عقب مانده و پوسیده به شلاق و قطع دست و سایر اعمال وحشیانه دست بزنند. اعمالی که در گذشته در ۱۲ قرن قبل دارند و تمام پیشرفتهای بشریت را نفی می‌کنند. علت این امر هم روشن است، این جنایتکاران بسا کل بشریت و تمام پیشرفتهای آن مخالفند.

رژیم جمهوری اسلامی از جاسوسی و تفتیش عقاید رابه نهایت رسانده است و جنبه‌ای از زندگی افراد نیست که رژیم و جاسوسان آن در صورت امکان تحت کنترل قرار ندهند.

طبق اخبار موثق، تحقیق “در انقیست جاسوسی” وسیعی در باره کسانی که در امتحان - استخدام دبیر ماه گذشته پذیرفته شده‌اند انجام می‌گیرد. این جاسوسی در محل زندگی افراد و عمدتاً حول سؤالاتی از قبیل “با چه کسانی در رابطه است؟” و “اوقاتش را چگونه می‌گذراند؟” متمرکز شده است. بعد از این تحقیق اولیه، جاسوسان به معاهده با فرد و تفتیش عقاید می‌رسد.

به راستی که باید پذیرفت که جاسوسان رژیم حتی روی ساواک را نیز سفید کرده‌اند و از آن هم پیشی گرفته‌اند.

روز سه شنبه ۲۲ تیر دو موتور سوار یک کویکتل مولوتوف به دفتر انتخاباتی رجایی پرتاب کرده‌اند.

الهیة نجات روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامهی جمهوری اسلامی، ارگان حاکم، پر است از اخباری با تیترهای درشت و قریز و توضیحاتی کوتاه و محروم العقول در مورد اخبار.

از آنجا که این روزنامهی پر تیراژ، نوشته است علیرغم امکانات محدودی که در اختیار دارد با اخبار و گزارشات بفاصلت صریح، اعتماد خوانندگان کثیرش را در سطحی بسیار وسیع جلب نماید، لذا بندرت پیش می‌آید منبع اخبار مورد استفادهی خود را دقیقاً ذکر کند، شاید هم “ذکر و سبحان” سهلست این ناچیز را ننهد و یا استدلال دندان شکن “مسلمان دروغ نمی‌گوید”.

به دو خبری که در صفحهی اول روزنامهی جمهوری اسلامی (۶۰/۲/۱۰) آمده است، توجه کنید

هیگ اظهار داشت آمریکا در توطئهی - انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی دخالت نداشته است.

این خبر با تیتر درشت قریز “امریکا دروغ می‌گوید” از قول یک مقام مطلع و نزدیک به وزارت امور خارجه، “بی‌پرده” دروغ ارزیابی شده است.

در گزارش دیگر با عنوان “ایران پر از - بهشتیه” آمده است:

“از قرار معلوم رادیو امریکا از قسول منابع نزدیک به مجاهدین خلق و سازمان پیکار نقل کرده است که سازمان پیکار و مجاهدین خلق مصممند به حمایت از بنی‌مدر. تمام جهوه‌های انقلابی و حزبی باقی مانده را ترور کنند، جواب ما در یک جمله این است بکشید ما را... نتیجه: “شیطان بزرگ” فقط زمانیکه حزب جمهوری اسلامی تشخص دهد “شیطان بزرگ” است وقتی که حزب تشخص ندهد الهی نجات است!؟

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید